

# خاورمیانه آمریکایی نمی شود



♦ دکتر کاظم ودیقی

## محور مقابله های جدید مسکو - پکن و تهران در میان؟!

کشاکش های تازه ای در افق آسیا و اروپا و آمریکا در حال ظهور است. جبهه وسیعی از مقابله در محور سکو - پکن مجدد کشورهای مقام در برابر گسترش نفوذ آمریکا آراسته می شوند. چین و روسیه مخالف استقرار نظامی کار مدت آمریکا و نمونه های عراق و افغانستان اند. سعی آنها بر این است تا با حمایت از ایران و اروپا؛ و هدف های اتمی این کشور و نیز کره شمالی و جلب دوستی عمیق جمهوری های آسیای مرکزی جبهه فوق را آرایشی استوار دهند. حرف سیاسی آنها این است که در این جبهه، دموکراسی نوع غربی زمینه عملی ندارد و قبول نظام های مقتدر ملی بواقعیات و حال و هوای فرهنگی این سازمان نزدیکتر است. کنفرانس اخیر آستانه در کاخ آستانه که اخیراً برگزار شد آغازی بر کشاکش های تازه جهانی است.

آمریکا که می خواست بیاوراند بدینا که همه جا بدینال هدیه دموکراسی است دریافت که رقبا این هدیه را نادیده تلقی کرده اند پس این فکر که بازی با دموکراسی

بدتر از دیکتاتوری است در مردم ایران و آسیای مرکزی جا افتاده ممکن است تهران حلقه موثر محور مسکو - پکن شود. برگ برنده چین و روسیه شناخت بهتر آنها از آسیای مرکزی است ولی سرمایه گذاری های چین در زمینه های نفت و دیگر انرژی، و هوشیاری روسیه نفت گر و نفت شناس و توسعه بخش صنایع هسته ای را هم باید بحساب گرفت. چین و روسیه طالب تعیین تاریخ خروج نظامیان آمریکا در این مناطق اند.

همه چیز بر می گردد به نفت و همه چیز می چرخد حول محور ذخایر نفتی جهان که اگر حتی به اختصار باز نگریم بازی های سیاسی برای منطقه را در رابطه با قدرت های طراز اول جهان بهتر فهمیده می شوند.

## ذخایر نفتی و دلهره های سیاسی

زمین شناسان مامور کمپانی های نفتی

مدعی اند تمامی کره زمین را کاویده اند و مشکل است بشود ادعا کرد که ذخایر تازه ای یافته شود. بنابراین بعد یک قرن و نیم بهره مندی باید سقوط نفت را شاهد بود. اقتصاد دانان می گویند سقوط نفت سقوط سرمایه داری است. این سخن از John-vidal نویسنده پانوراما روزنامه وابسته به محافل دولت فعلی است. مشتهر به مبالغه ... و بهر حال دست اندر کار تحقیقات نفتی است.

کالین کمپل callin cample عضو موسس مرکز تحقیقات و تجزه تحلیل های کمبود نفتی در لندن می گوید کمبود هست مبارزه با هم تشدید می شوند ولی کمپانی های نفتی و دولت ها در بیان میزان ذخایر نفتی جهان حقیقت را به مردم نمی گویند. بدیهی است که دلایل تجاری و ستیزه های دولتی و بخش خصوصی کمپانی ها از میزان ذخایر کشف شده درست خبر ندهند. ولی

بمحض اینکه کالین کمپل می گوید در باب نفت با روند فعلی تا ۴۰ سال دیگر و در باب گاز تا ۶۰ سال دیگر کمبودی نخواهد بود کمپانی BP خبر می دهد که ذخایر نفت و گاز جهان تا ۸۸ سال دیگر ما را تامین می دهند. پس اینکه دولت های مالک نفت به دلایل تجاری راست نمی گویند چون ۹۹ درصد ذخایر نفتی را مالک اند سخن نابجائی نیست (گاروبین - فیگارو - ژوئن ۲۰۰۵ از قول کمپل کمبود سالانه را بین ۲ تا ۳ درصد رقم می زنند)

محققان مسلماً بیکار ننشسته اند. اینک طرح مائی ۱۵ تا ۲۰ سال در دست محققین نقش و انرژی های دیگر است که در تاریخ بی نظیرند. از جمله در اروپا طرح اخیر ITER که سرپوشیدگی های

بعد از همه چیزی از وضع حال رئیس جمهور ایران  
نیض بران و مسائل دردهای ایران با ناسات بر آن می آید که این کتاب را  
می آید

از طرف پاریس می رسد سخن است بی پرورد  
- اهمیت روزنامه سردی را چاپ لندن بریتیت از  
مرکز الهام خود روزی می رسد، و وجه نگاه نوری  
نزد محورین دارد. او فرزند است.

- روزی بر گزار می انگلیسی هرگز می رود با ایران طرفداران  
روزی که در سبلی مرل ۱۹۷۵ سوار میشد.

- سنگ قبرترین العربی او را مردم دار مردم می نامد  
- دانشمندان است از قول لارل ویک غیرتار خود  
می رسد. او اهل تهران است. او اهل شمال مطلوب و  
مناب با نوب است. حاضر نگارن نیست. با او ما  
یاد آید که راجع مردم ایران پیش می بینیم چون این  
مردم غیرتارین پیش می آید  
- ایران و استون غیرتار سنگ رادهوری آرکمانی کارگر  
مردم را غیرتارین است. او می آید. او مردم است و تارن.

- سند مثل قره غما نشر شده در تهران است. نام آن سیم نیست که کوشش می آید.

بسیار دارد.

مسئله اساس محققان نفتی یافتن این نکته است که کی و کجا (در کدام کشور) به نقطه عطف مصرف نفت می‌رسیم تا بشود تدارکات لازم بجهت پرهیز از عوارض به سقوط را دید.

میزان ذخایر امریکا در امر نفت از دیگران کمتر است پس نگرانی آمریکا بیشترین است. از جمله مرجع عالی بازار پولی نفت (SEC) می‌گوید سال دیگر به نقطه عطف می‌رسیم و بعد از آن رو به کمبود می‌رویم (گاروین) مسلماً جنگل عراق و مصرف روز افزون چین و هند و گرم شدن کره زمین تحول تازه‌ای در مطالعات نفتی پدید آورده است.

از جمله آنکه بهای نفت طرف از سلل اخیر از ۲۸ به ۶۰ و اندی دلار رسیده و مثل اینکه همه عواقب کار را پذیرفته‌اند فزونی بهای نفت را اوپک می‌خواست با افزایش تولیدی برابر ۵۰۰/۰۰۰ شبکه در روز جبران کند ولی واماند. کشورهای عضو اوپک در حال حاضر به سبب وضع خاورمیانه تحت اشغال نظامی آمریکا ناتوان اند. آنها از افزایش بهای نفت سود می‌برند ولی تورم و فقر و فساد کشورهای مانند عراق مانع آرمان‌های قدیم اوپک است. اوپک می‌خواست بهای نفت را در شبکه‌ای ۴۰ دلار ثابت نگهدارد ولی ایران جنگ و انقلاب زده و آمریکای محتاج تامین هزینه‌های نظامی خاورمیانه تا آسیای مرکزی و عراق و ایران و بدهکار از بالا رفتن بهای نفت ولو بصورت مصنوعی بدشان نمی‌آید. سود آن ناشی از این بالا گرفتن بهای نفت چین را معترض و روسیه را تهدید کننده ساخته است. آرایش جبهه واقعی است. و اروپا در آتش نرخ بیکاری می‌سوزد پس دولت اروپا از بابت عدم تطبیق سیاست‌های اجتماعی بهم

می‌زند. نرخ بیکاری جوانان در فرانسه و فنلاند و اسپانیا و آلمان و بلژیک غوغا می‌کند. این نرخ چین ۱۵ تا ۲۲ درصد است. در یونان نرخ بیکاری جوانان قریب ۲۷ درصد است و در ایتالیا ۲۴ درصد. در این حال مردم عادی به علل اصلی که بقول نخست وزیر انگلستان و رئیس فعلی اتحادیه اروپا ضعف آموزش‌ها است توجه ندارند

روند کسر ذخایر نفتی موجود بقول محافل آمریکایی سه بار بیش از روند کشف ذخایر است و Bill Power در روزنامه کانادایی می‌گوید کمبود نزدیک است یا Courier-International اینک همه کمبود را پذیرفته‌اند تنها نمی‌دانند نقطه و زمان شروع آن کجا است و هیچ قدرتی نمی‌تواند استوار و پایرجا از نظرات خود دفاع کند. هر نوع پیشگویی خطرناک و همه نوع پرده‌پوشی مجاز شده است.

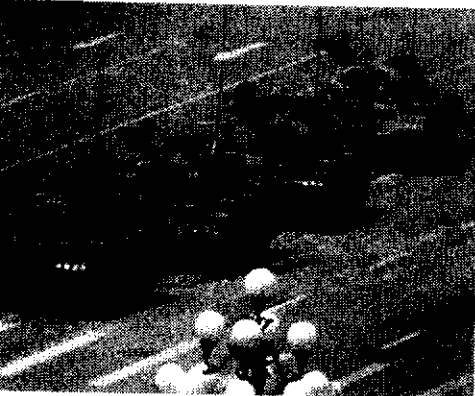
به بعضی اعداد مصرفی بسیار اتکاء می‌کنند از جمله سطح تقاضاها که در سال ۲۰۳۰ سالانه یکصد و بیست میلیارد شبکه می‌رسد.

به بعضی اکتشافات هم در روسیه و آفریقا امیدوارند. ولی اینها هیچ چیز از دلهره‌های سیاسی نمی‌کاهد. این دلهره‌ها به جنگ نمی‌کشد.

قدرت‌های بزرگ از هر نوع جنگ بیزارند و ناتوان. در این حال حرکات اعتراض در میان گروه‌های سیاسی داخل ۱۸ کشور مولد و مالک نفت قدرت می‌گیرد. قدرت‌ها دیگر نمی‌توانند آنها را حقیر و نادیده بگیرند پس رو بمذاکره می‌کنند. در هر جا و با هر کس و انگ‌ها را از گروه‌های موسوم به تروریست رفته رفته بر میدارند.

ممکن است این امر القاعده را مشمول خود سازد ولی القاعده هم مثل هر سازمان سیاسی برای رسیدن به هدف مذاکره پذیر می‌شود.

بر گردیم به محور مقابله مسکو - پکن و تهران و حتی هلی در میان این دو قطب. ذخایر عمده نفت در عربستان و عراق و ایران اند. حساب‌های آمریکائیان درست از آب در نیامد و معلوم شد که خاورمیانه آمریکائی نمی‌شود یعنی که نمی‌تواند بشود (نگاه کنید به مجموعه مقالات - نگارنده) معهذاً وسوسه با آمریکا فرصت داد تا افق کشورهای آسیا مرکزی را دستکاری کنند. آنها بقول روز به بوالهبری کارشناس انقلاب‌های رنگین و براساس گزارش سیا فرض کرده‌اند که



روسیه فدراتیو تا دهسال دیگر از هم می‌پاشد (گزارش - شماره اردیبهشت سال ۱۳۸۴)، ولی چین و روسیه خط دفاعی جدیدی را تدارک دیده‌اند و بعید نیست مسکو محور برلن و پاریس را قدرتمند نکند. امریکا در اروپای شرقی دوستانی دارد منتهی هم ضعف اند و هم در جرگه اتحادیه اروپا قرار دارند. در یکصد و پنجاه سال گذشته نفت تمدن خود را زائید. هرگز کشوری به خاطر نفت تسخیر نشد (عراق از استثنائات است) بعکس کار رقابت در مناطق نفوذ به اوج رسید. جوامع صنعتی بیش از جوامع غیرصنعتی آسیب پذیرند. این است که جنگ مشغله جوامع کمتر یا ابداً صنعتی‌ها شده است. بر خورد تمدن‌ها نظریه قابل دفاعی نیست برعکس مقاومت‌های فرهنگی اصلی است که آسیائی‌ها در آن تبحر دارند و در چین روسیه و ایران و عراق و تمام خاورمیانه و آسیای مرکزی زمینه‌ای قدیمی دارد و بسیاری از کشورهای اروپائی هم این بازی را بلند علیه آمریکا بچرخانند.

وقتی کشورهای بزرگ صنعتی تاب و تحمل جنگ را نداشته باشند تمام نبوغ سیاسی خود را بر مذاکره و تمام نبوغ علمی محققان را بر فناوری در جهت نیروی جانشین نفت خواهند نهاد.

عصر نفت برای جهان ترقی و توسعه آورد. تجدد را در عقب مانده‌ترین کشورهای خاورمیانه و آسیا دامن زد. ولی ای نفت در خاورمیانه و بازارش در غرب بود و هست. کشورهای نفتخیز از بابت نفت بیعض مدارج ترقی رسیدن ولی از رسیدن پای ملل راقیه (بقول نسلی که در ایران به انقلاب مشروطه دست زد) عاجز بمانند. ایران امروز مشکل عمده‌اش تورم و فساد و دوری از دانش و بینش روز است.

